

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

حزب کار ایران (توفان)

۰۲ جولای ۲۰۱۹

مغزگیری در مقولات ملی و دموکراتیک

مقاله‌ای را که در زیر مطالعه می‌کنید بخشی از مشاجرات ایدئولوژیک حزب کار ایران (توفان) با رویزونیستهای حزب توده ایران است که فقط با توسل به دروغ و نیرنگ و فریب اعضای خود موجودیت خویش را عرضه می‌کنند. این مقاله در مجموعه اثر "حزب توده ایران، گذار از رویزونیسم به سوسیال دموکراسی، با تجدید نظر در اصول عام مارکسیسم-لنینیسم و خیانت به سوسیالیسم و اتخاذ سیاست سازش طبقاتی - نقدی بر برنامه مصوب ششمین کنگره حزب توده ایران، ۳۰ اردیبهشت [ثور] ۱۳۹۶ مطابق ۲۰ مه ۲۰۱۷" منتشر شده است.

"حزب رویزونیستی توده ایران در این مقولات مغز می‌کند. ما نشان دادیم که انقلاب دموکراتیک، انقلابی برای کسب زمین، توسعه سرمایه‌داری و برچیدن مناسبات فئودالی است. وقتی ما از انقلاب دموکراتیک یا مرحله دموکراتیک انقلاب صحبت می‌کنیم، دقیقاً به این مفاهیم نظر داریم. حال حزب توده ایران مرحله انقلاب دموکراتیک و انقلاب دهقانی را با مطالبات دموکراتیک، مبارزه دموکراتیک مخلوط می‌کند. این مقولات ربطی به هم ندارند.

مطالبات دموکراتیک و مبارزه برای تحقق دموکراسی همچنان در یک جامعه سرمایه‌داری که حتی بقایای فئودالیسم در آن وجود ندارد، مطرح است. طبقه کارگر همیشه باید برای حقوق و خواسته‌های دموکراتیک خود مبارزه کند، زنان، جوانان، دانشجویان نیز در این عرصه مبارزه می‌کنند و باید بکنند. اگر در یک نظام سرمایه‌داری، استبداد عریان سرمایه حاکم و یا دیکتاتوری پوشیده بورژوازی بر سرکار باشد، طبیعتاً باید برای تحقق دموکراسی، حقوق و مطالبات دموکراتیک، که همیشه در طی تاریخ توسط حاکمیت‌ها نقض شده و همیشه در دوران معاصر توسط سرمایه‌داران حتی در دموکراتیک‌ترین ممالک سرمایه‌داری توسط طبقات مسلط حاکمه با توجه به توازن قوای طبقاتی به زیر پا گذارده شده است، مبارزه کرد و از دستاوردهای بشریت که در طی قرن‌ها مبارزه به چنگ آمده است به دفاع برخاست. این مبارزه یک مبارزه ماهیتاً بورژوائی و برای تحقق حقوق بورژوائی بوده و ربطی هم به سطح رشد نیروهای مولده نخواهد داشت. در ایران استبدادی همانقدر باید به مبارزه دموکراتیک توجه کرد و لازم است که در امریکا، المان و یا فرانسه. در تمام این ممالک مبارزه دموکراتیک وجود دارد و کمونیستها باید از آن حمایت کرده و حتی در آن شرکت نموده و سعی کنند رهبری آن را به دست گیرند. شعبده‌بازی است که کسی بخواهد این‌گونه فعالیت‌های روزانه دموکراتیک را که هر ماه می‌تواند موضوعش عوض شود و مرکز ثقلش تغییر کند، و حیات آن تا زمانی که طبقات ستمگر مسلط هستند، پایانی ندارد و در همه ممالک طبقاتی نیز وجود خواهد داشت، مرحله انقلاب جا بزند، مرحله‌ای که طبیعتاً پایانی

بر آن متصور نیست. معلوم نیست چقدر از این "معجون دموکراسی" باید به خورد جامعه داد تا رویزونیستها قانع شوند که "مرحله انقلاب دموکراتیک" مدتهاست به پایان رسیده است. خلاصه این که مخدوش کردن مرزها، مخلوط کردن مفاهیم و مقولات، شیوه‌ای است که رویزونیستها برای ایجاد آشفتگی و انصراف از انقلاب اتخاذ کرده‌اند.

نکته بعدی انقلاب ملی است. انقلاب ملی انقلابی است که به ضد سلطه خارجی، به ضد استعمار و امپریالیسم و در درجه نخست برای کسب استقلال سیاسی کشور می‌باشد. وقتی ما از مرحله انقلاب ملی صحبت می‌کنیم، این مرحله مبتنی بر وضعیت عینی مشخصی است که تضاد اساسی جامعه را حیات می‌دهد. از بدو تسلط امپریالیسم بر جامعه، این تضاد پدید آمده و تا طرد امپریالیسم و تاراندن اجانب از کشور، این تضاد وجود خواهد داشت. این تضاد عینی است و در طول تمام مرحله ماندگار است و لحظه به لحظه تغییر نمی‌کند. اگر کشور ما ایران، یک کشور نیمه‌مستعمره بوده است، آنوقت اخراج امپریالیسم، خروج از پیمان سنتو، به هم زدن پیمانهای نظامی، اخراج ۵۰ هزار مستشار نظامی امریکائی و دستگاه‌های عظیم استراق سمع و... به معنای قطع دست امپریالیسم و کسب استقلال ایران است. مآلاً مرحله انقلاب ملی هم در ایران به پایان رسیده است. و لذا نمی‌شود مرتب از مرحله انقلاب ملی و دموکراتیک سخن گفت. رویزونیستها برای مقوله "ملی" هم راه حل رویزونیستی پیدا کرده‌اند و آن این که هر اقدام حاکمیت که با خسران و خرابی، سوءمدیریت همراه است، به یک باره اقدامی مغایر منافع ملی بیان شده و مفاهیم ملی به منظور مبارزه با امپریالیسم را با نتایج عملی تصمیمات سیاسی ناصحیح روز، که به هر صورت به کشور، جدا از ماهیت آنها و مرحله انقلاب و تحولات صدمه می‌زنند و منافع مردم و ملی را به این مفهوم داخلی خدشه‌دار می‌کنند، همتراز قرار می‌دهد. ولی کسی که در اثر یک تصمیم نادرست سیاسی به کشور صدمه می‌زند، الزاماً نوکر امپریالیسم نیست و کشور ایران را به نیمه مستعمره امپریالیسم بدل نکرده است، ولی کسی که نوکر امپریالیسم است و نوکر امپریالیسم باقی می‌ماند و ایران را به محل تاخت و تاز امپریالیستها بدل کرده است حتی اگر چند اقدامش نیز عملاً به نفع کشور و همه مردم تمام شود باز حکومت ملی نخواهد بود. این قبیل اقدامات که در اثر ندانم کاری، بی‌تجربگی، اطلاعات ناکافی یا نادرست، ناآشنائی، اهمال‌کاری، ارزیابی ذهنی و یا حتی بدتر در اثر رشوه خواری و فساد اداری منجر به ضربه خوردن به مصالح ملی، عمومی و مردمی شود، حتی می‌تواند در یک کشور سوسیالیستی و یا انقلابی هم رخ دهد، ولی در نتیجه آن مرحله انقلاب عوض نمی‌شود. رویزونیستها با این التقاط مقولات و مفاهیم در درک مرحله ملی انقلاب به مفهوم ضدامپریالیستی و اقدامات خسران‌زائی به ضرر مردم، عموم و مصالح ملی که مسایلی کاملاً متفاوت هستند، ایران را به یک باره در مرحله انقلاب ملی و دموکراتیک قرار می‌دهند که مرحله‌ای اختراعی و برای انصراف از انجام انقلاب سوسیالیستی و تلاش در جهت سرنگونی رژیمی است که سد راه دموکراسی در ایران است. در انقلاب بهمن انقلاب ملی به انجام رسید و بساط فئودالیسم از قبل، چه از نظر اقتصادی و حقوقی و چه حتی از نظر سیاسی، در ایران برچیده شده بود. وجود بقایای فئودالیسم در کشور مرحله انقلاب را تغییر نمی‌دهد. این تئوری‌های حزب رویزونیستی توده تنها برای توجیه و پیدا کردن راهی برای کنار آمدن با حکومت است". (نقل از کتاب: "حزب توده ایران، گذار از رویزونیسم به سوسیالیسم دموکراسی، با تجدید نظر در اصول عام مارکسیسم-لنینیسم و خیانت به سوسیالیسم و اتخاذ سیاست سازش طبقاتی - نقدی بر برنامه مصوب ششمین کنگره حزب توده ایران، ۳۰ اردیبهشت [ثور] ۱۳۹۶ مطابق ۲۰ مه ۲۰۱۷").

برگرفته از توفان شماره ۲۳۲ تیرماه [سرطان] ۱۳۹۸ جولای ۲۰۱۹

ارگان مرکزی حزب کار ایران (توفان)

www.toufan.org